

کاخهای ساسانیان و تاثیر آنها بر معماری اوایل دوره اسلامی

لیونل بی پر
ترجمه کتیون انجمنی

لازم است، در حد ضرورت، از تعداد خطوط شان کاسته شده است. در کتاب بررسی... دیوارهای قصر تا حدی به رنگ مشکی نشان داده شده‌اند تا واضح‌تر دیده شوند^(۳). کمی جلوتر در یک بازنگری متوجه می‌شویم که لبه‌های خرد و خراب شده بنا از هم کمتر متمایز شده‌اند. طرح اف. کیم بال F. Kimball^(۴) نشانگر لبه قابل تشخیص و تمیز در سمت چپ است که به ما القا می‌کند قبلاً یک واحد کامل وجود داشته است. خطوط گرافیکی نیز زمینه‌ای را برای بیان اظهاراتی درباره نقشه متقارن ساختمان و نظریاتی که به نحوه استفاده از آن مربوط می‌شوند، آماده کرده‌اند.

چنین تغییر شکلی در بررسی اولیه و اصلی، خصوصاً در مورد کیش برجسته و قابل تأمل است. همانجا که واتلین Watlin تحقیقاتش را در منطقه نسبتاً کوچکی انجام داد و بناهای حفاری شده را "کاخ‌های هشتگانه ساسانیان"^(۵) توصیف کرد. کاخ‌های شماره یک و دو به دلیل داشتن گچ‌بری‌ها و تزئینات پر حجم و طرح‌های استادانه کف بنا که نمایانگر مراسم و میهمانی‌های بزرگ هستند، از شهرت خاصی برخوردارند. حتی وقتی که نقشه‌ها در عوض زمینه سیاه به شکل هاشورزده به نمایش گذاشته شدند، از روی عادت، در هریک از آنها، بنایی کم و بیش کامل دیده می‌شود. موری Moorey، که بتازگی مطالعات جدیدی درباره حفاری در کیش انجام داده، معتقد است که کاخ‌های یک و دو اگر هم بخش‌هایی از یک بنای مستقل نبوده‌اند، مطمئناً بخشی از یک مجموعه مستقل بوده‌اند^(۶) و نقشه‌های منتشر شده موجود هنرمندانه تقلید شده‌اند (تصویر یک).

اختلاف در حدود چند ده درجه در محور شمالی، مشکل مهمی را مطرح نمی‌کند و نقشه‌هایی که ابنیه باستانی را دقیقاً در جهت شمال نشان می‌دهند، همیشه مورد ظن و گمان بوده‌اند و بررسی نه چندان دقیق موری نیز چنین نقشه‌هایی را مورد تأکید قرار می‌دهد. نقشه منتشر شده منطقه که نقشه‌ای توصیفی است، اگرچه مقیاسی در آن ذکر نشده است، به نظر می‌رسد که نمایانگر شکلی واحد، اما در جهتی متفاوت است. این نقشه‌ها در همه موارد، اعم از مقیاس عمومی و ضخامت دیوارهای خارجی که از اتاقی به اتاق دیگر متفاوتند، تناسب دارند. آنچه در میانه بنا به سمت

از سده‌ی نوزدهم ارتباط ویرانه‌های بناهای کاخ مانند در ایران و عراق با سلسله ساسانیان مطرح بوده است اما مفهوم معماری کاخ‌های ساسانیان تنها به شش دهه قبل یعنی به مطالعات اسکار رویتر Oscar Reuther در کتاب بررسی هنر ایران بازمی‌گردد^(۱). به رغم حفاری‌ها و بررسی‌های انجام شده از آن زمان تا کنون، کار رویتر به شکلی بارز همچنان تأثیرگذار باقی مانده است. در واقع بیشتر توصیف‌ها و تعبیرات ما درباره "کاخ ساسانی" هنوز برخاسته از این مطالعات به ویژه، طرح‌های جذاب و جالب رویتر است.

کار بنیادی رویتر کاستی‌های بسیاری داشت که علت بیشتر آنها به اطلاعات و مواد در اختیار او بازمی‌گردد. تجربه دست اول او درباره‌ی معرفی بناهای یادمانی به تیسفون محدود می‌شد که در اواخر دهه ۱۹۲۰ آن را حفاری کرده بود. به غیر از این تجربه، رویتر در مورد سایر بناها خود را ملزم می‌دانست که به آثار دیگران چون فلاندرین Flandrin، کاست Coste، دیولافوآ Dieulafoys، مورگان De Morgan و گرترویدیل Gertrude Bell مراجعه کند. تحقیقات این افراد درباره ساسانیان مبتنی بر نوشته‌های نویسندگان عرب و ایرانی بود که سده‌ها پس از سقوط این امپراتوری به رشته تحریر درآورده بودند. در آن زمان تعداد اندکی از این بناها بررسی و شناسایی شده بود و تعداد کمتری حفاری شده بود. علاوه بر این، از این بناها هیچ مدرک مکتوبی به دست نیامده بود و روشن است که رویتر برای تألیف تحقیقاتش با چه دشواری‌هایی روبرو بود.

در حال حاضر حدود ۶۰ سال بعد از رویتر، به نظر می‌رسد که مفهوم واقع‌گرایانه‌ای از معماری کاخ ساسانیان جریان یافته تا ما را به اغفال بکشاند و آن اتکاء به طرح‌های غیر مهم و عجیب و غریب منتشر شده و پذیرش بی‌چون و چرا و غیر نقادانه آنهاست که نهایتاً مهمترین منبع اطلاعات ما نیز به شمار می‌آیند. برای مثال نقشه‌های قدیمی‌تر در طی چاپ و انتشار مکرر در اندازه‌های کوچکتر بسیار آشنا تر به نظر می‌رسند به طوری که گاهی به نظر می‌رسد بهتر از آن نمی‌توان یافت.

برای مثال در مورد دامغان^(۲) آنها غالباً با خطوطی آغاز می‌شوند که محدوده حفاری‌ها و مناطق مورد حفاظت را مشخص می‌کنند و هر زمان که

شاپور - منظور او قسمت‌های کار شده توسط گیرشمن است - پرداخته و چنین عنوان کرده که این مکان اصلاً قصر نبوده بلکه فقط معبدی برای پرشس آناهیتا^(۱۲) بوده است.

بحث من یا او بر سر مقایسه معماری شناختی است که او با توجه به مطالعه و بررسی بقایای بنای حاجی‌آباد به طرف جنوب بیان کرده و من آن را متقاعدکننده نیافتیم. اما نتیجه بحث او کاملاً منطقی است بخصوص آنجا که می‌گوید که سرسرای صلیبی شکل بیشاپور با اتاقها و حیاط مجاورش که بلافاصله پس از ساختمان گود و فرورفته در جوار مجتمع بزرگ واقع شده، به احتمال زیاد معبد آناهیتا بوده است^(۱۳). همان‌طور که سرفراز نیز ادعا کرده است.

فرضیه ون گال H. Van Galt مبنی بر اینکه موزاییک‌های بیشاپور با الهام قومی از دیونیزیاک Dionysiac شکوه و جلال بیک Bacchic - خدای یونانی شراب - را تحقیر و تمسخر کرده است، یا فرضیه نیایش تناقض ندارد. دیده‌این موزاییکها، به منظور برپا کردن جشن و سرور در پیروزی‌های نظامی بر رومی‌ها^(۱۴) توسط شاپور از حاکمان غربی به عاریت گرفته شده بود. به هر حال از آنجا که مذهب دولتی ساسانیان از ابتدا قویاً چهره نظامی داشته است می‌توان به مفهوم این عدم تعارض بیشتر پی برد. اگر بخش حفاری شده ساختمان حقیقتاً ماهیت مقدسی می‌داشت، فعالیت‌های غیر مذهبی و به ویژه مجتمع مستمعین می‌توانست در نقاط دیگر مجموعه، بویژه در یکی از ایوان‌ها که به حیاط راه پیدا می‌کرد، انجام پذیرد. در همین حال کاملاً امکان دارد که کاخ‌های یک و دو ساسانیان در کیش اساساً به چنین ساختمانی متعلق بوده باشند. یکی از قسمت‌ها می‌توانست به عنوان سرسرای مخصوص حضور جمعی مردم و نیایش کنندگان و دیگری به عنوان محل عبادت و پرستش مورد استفاده قرار گرفته باشد.

احتمالاً بهترین مثال دربارهٔ اینکه چطور طرح‌ها و نقش‌های مربوط به معماری و مهندسی بنا می‌توانند به جای روشنگری بر ابهامات بیفزایند، مورد عمارت خسروست که در واقع قصر خسرو دوم در قصر شیرین بود. اینکه احداث این بنا می‌تواند نقش مهمی در تاریخ معماری منطقه داشته باشد، باشکوه است چرا که نقش‌ها و طرح‌های فوق‌العاده رویتر (تصویر چهار)^(۱۵) که حقیقتاً تمام بحث‌ها و نظرها بر پایهٔ آن شکل گرفته است، کاملاً جعلی است. بنایی که بر روی سکویی وسیع ساخته شده بود، مدتها قبل از اینکه دومرگان در کتاب Mission Scientifique در دههٔ ۱۸۹۰ به بررسی آن بپردازد، در شرف ویرانی قرار داشت.

ولی او موفق به تهیه نقشه‌ای که مجموعه‌ای از اتاق‌های کوچک قرار گرفته در اطراف صحنی باز و دروازه‌ای با ساخت استادانه در جلوی ستون‌هایی را نشان می‌دهد که در ردیف‌های اول جفت جفت بودند^(۱۶).

چند سال بعد گرتروید بل Gertrude Bell از این محل بازدید کرد و نقشه دیگری طراحی کرد که به نظر می‌رسید به طور مبهمی شبیه کار محققان پیش از او باشد بجز اینکه بجای ردیف ستون‌های جفت جفت، این زن محقق فضایی ایوان مانند با عرض کم و یاریک را طراحی کرد^(۱۷). اینک رویتر که هیچ دلیلی نمی‌آورد که یاور کنیم او مکان قصر را دیده باشد، بی‌ثباتی‌های دو بررسی را تشخیص داد و توضیح داد که او با آزادی کامل ایده‌هایش را پرورانده است. ایده‌هایی که براساس ساختمان‌های پرستون در دامغان و کیش و قصری که در ذهن او به گنبد احتیاج داشت.

هیچ شکی در این نیست که زمانی بنایی بسیار عظیم بر روی این سکو قرار داشت. این ممکن است قصر خسرو بوده باشد که جغرافی‌دانان قرون وسطی هم از آن یاد کرده‌اند. اما قبل از استفاده از این طراحی برای بحث دربارهٔ مسائلی چون ماهیت مجموعهٔ دروازه‌های عهد ساسانی، طرز قرار گرفتن سراسر یا تالار گنبددار با ایوانی در جلوی آن در بناهای متداول ساسانی یا تالار شاهانه در معماری ساسانی بهتر است دربارهٔ شجره‌نامهٔ

شمال قرارداد بواسطهٔ گسترش کشت و کار و استفاده از گاوآهن از بین رفته و این سرنوشت مشترک اکثر بناهای خشتی است ولی در این مورد اطلاعات توپوگرافیک یا نقشه منطقه در اختیار ما گزارده نشده تا بتوان دربارهٔ آن قضاوت درستی داشت.

در مورد بیشاپور به نکات جالب توجهی برخورد می‌کنیم. منابع منتشر شدهٔ اولیه، که اساس کار مطالعات را تشکیل می‌دهند، نقشه معروف و مشخصی را شامل می‌شوند (تصویر دو) که نشانگر حال یا سرسرای بزرگ صلیبی شکلی است که در مجاورت آن یک حیاط مستطیل شکل در قسمت جنوب و مجموعهٔ سه اتاق در قسمت شمال حال قرار دارند^(۱۸). این نقشه که ظاهراً از ابتدا با خطوط سیاه کشیده شده بود، همانند همهٔ طرح‌هایی که با چنین سبکی ترسیم می‌شوند، تا حدی توجه ما را از مشکلات باستان شناختی، مانند جداسازی قطعات ساختمان، منحرف می‌کرد. قبل از هر چیز، هیچ دلیلی وجود ندارد که ساختار فرورفته و مقتر بنا که به جای استفاده از قطعه سنگ‌های مختلف شکل در روینا از قطعات سنگ یکسان و پوشش دار استفاده و از بقیه قسمت‌های ساختمان (A) تفکیک شده، الزاماً قبل از کاخ ساخته شده باشد. همچنین همان‌طور که اخیراً کیل Keall مطرح ساخته، دلیلی وجود ندارد که دیوارهای حجیمی که گیرشمن Ghirshman آنها را "ایوان سه قلو" نامید، جزو ملحقات بعدی بنا بوده‌اند، اگرچه آنها تا حدی موزاییک‌های مشهور بنا را پوشانده‌اند.

گیرشمن همچنین عکسی هوایی از شهر (تصویر سه) منتشر کرد که در آن نقشه شبکه‌ای شهر، رودخانه کنار آن و دژ آن واقع در دهانه تنگ دره دیده می‌شود^(۱۹). همچنین می‌توان دید که در نقشه کلیه محوطه گوشه شمال شرقی شهر در محوطه‌ای به مساحت ۲۷/۰۰۰ مترمربع محصور شده که قسمت جنوبی و جنوب غربی آن به راحتی قابل رؤیت است و نیز به طرف شمال به گودی دیده می‌شود که در واقع حیاطی مستطیل شکل و بزرگ به طول و عرض ۵۰×۳۰ متر بوده است. در مرکز سه ضلع آن، بقایای بنایی است که احتمالاً محل ایوان‌ها بوده است. از طرف ضلع چهارم، راهرویی پهن (که توسط علی اکبر سرفراز حفاری شده است) به طرف قسمت حفاری شدهٔ غربی هدایت می‌شود که به نظر می‌رسد مساحت آن کمتر از هفت درصد مساحت کل قضا است.

بررسی این عکس معروف، تصویری روشن تر از قصر شاپور بدست می‌دهد و به طور کلی امکان برداشت و قضاوت بهتری در مورد مشکلات مربوط به کاربری بیشاپور و نیز دیگر کاخ‌های ساسانیان فراهم می‌سازد.

این تعبیر منجر به پیدایش دو برداشت غالباً متناقض شده است. نخست آنکه کلیه فعالیت‌های ناهمگونی را که در چنین جاهایی صورت گرفته در کنار هم قرار دهیم و تلاش کنیم آنها را با اجزاء باقیمانده سازگار کنیم. در این حالت ما نظیر سه مرد نابینایی هستیم که هر کدام بسته به اینکه کجای بدن فیل را لمس کرده بودند، آن را به مار، درخت و... تشبیه کرده‌بودند. دومین برداشت یا نگاه این است که این اینه را با دید قصرهای مجلل بررسی نکنیم و آنها را معابد یا آتشکده فرض کنیم. هم‌اکنون در مورد همهٔ کاخ‌های ساسانی چنین نظری وجود دارد که زمانی آتشکده بوده‌اند و در مورد برخی هنوز این نظر پابرجاست^(۲۰). اگر بپذیریم که آنچه را که به عنوان یک بنای کم و بیش کامل تلقی می‌کردیم چیزی نیست جز بخش کوچک از یک ساختمان، برخی از مشکلات از بین می‌رود. ما از مطالعهٔ کتیبهٔ پهلوی کعبهٔ زرتشت در نقش رستم اطلاعاتی بدست آورده‌ایم. برای مثال اینکه پادشاه، ملکه و اعضای دربار و خاندان سلطنت روزانه مراسم قربانی انجام می‌دادند و این بخشی از آداب مذهبی آنها به شمار می‌آمده است. بر این اساس می‌توان فرض کرد که کاخ‌ها و اماکن کوچک دیگر وابسته به خاندان سلطنت همانند مواردی که در تیسفون حفاری شده‌اند نیز عبادتگاه بوده‌اند، اخیراً م. آذرتوش به بحث دربارهٔ قصر

مرکزی وسیعی انجام می‌شد که از طریق ورودی به اتاق محراب واقع در بخش عقبی، منتهی می‌شد. این مجموعه به طور کامل یا موزاییک و گچبری تزئین شده بود. این تزئینات با استفاده استاندارد از منابع بدست آمده از خاندان سلطنتی ساسانیان انجام شده بود. از برجسته‌ترین آنها عبارتند از یک گچبری که تصویر شاهزادگای در لباس ایرانی نشان می‌دهد که بعدها به نمای دروازه ورودی بنا افزوده شد و نیز زنجیری سنگی و آویزی پارچه‌گونه که از شبه گنبدی احتمالاً در بالای تاج آویزان شده است.

در اینجا به دو نکته می‌توان اشاره کرد: اولین نکته این است که نه فضای سه گوش شکل و نه تالار ستون‌دار هیچکدام در معماری قصرهای ساسانی شناخته شده نیستند و در حقیقت بدون هویت به نظر می‌رسند. دومین نکته آنکه در حالی که بار عام اموی‌ها در هر مکانی می‌توانست برگزار شود، ولی بار عام ساسانی‌ها غالباً (نه الزاماً همیشه) در تالار ایوان‌دار و با اتاقک سقف گنبدی در پشت آن و یا بدون آن - انجام می‌گرفت. این امر مهم از منابع مسلمانان است که بویژه در طاق خاندان خسرو ساسانی دیده می‌شود. اما

ابنیه تاریخی ساسانی نیز به خودی خود چنین تصویری را القاء می‌کنند. بنای موسوم به طاق کسری یا گبریا که احتمالاً تاریخ آن به دوره میانی ساسانی برمی‌گردد، شکل تالاری ایوان‌دار را تداعی می‌کند و برش‌های روی زمین در قسمت عقبی حکایت از استقرار یک محسسه احتمالاً سلطنتی می‌کند (۲۴). ایوان‌های تراشیده از سنگ صخره در طاق بیستان که کاملاً با تصاویر سلطنتی زینت شده‌اند ممکن است مزین به تاج بوده‌اند (۲۵). در قلعه دختر بارعام سلطنتی مطمئناً در تالار ایوان‌دار مرکز ساختمان انجام می‌شده است. هاف Huff پنجره‌های باز شو در قسمت مرتفع عقب ساختمان و یا اجزاء پراکنده یک حوض سنگی کشف شده در تراس میانی را با عمارت‌های - کلاه فرنگی - قرن هفدهم اصفهان که مردم و مخاطبان صفوی را در خود جای می‌دادند، مقایسه کرده است. این بناها پنجره‌هایی در قسمت جلو و بالای خود داشتند و درباری‌ها می‌توانستند فعالیت‌های رسمی را که در پایین انجام می‌شد، نظاره‌گر باشند (۲۶).

در تجزیه و تحلیل دقیق‌تر محل مشاطه، همان برند Hillen brand وجود تالارهای جداگانه به عنوان شاخص تأثیر معماری ساسانی را کم‌اهمیت می‌شمرد و بر استقرار حیاطی باز و وسیع در یک محور طولی تأکید می‌کند: از نظر کاربردی، امکان انتخاب بین الگوهای ساسانی و پارتی - با اتاقی یا سقف گنبدی که در امتداد آن ایوانی قرار دارد - و الگوی کلاسیک تالار رسمی شاهانه - با اتاقی یا سقف گنبدی شکل مخصوص حضور مردم - بسیار محدود است (۲۷). او بحث خود را با بیان تأثیر معماری ساسانی در معماری قصر اواخر حکومت اموی‌ها با اشاره به کاربرد قوس یا طاق ضربی در این محوطه رسمی در مشاطه ادامه می‌دهد. او ابتدا پیشنهاد می‌کند که ساختار محکم و استوار آجری آن مهم از معماری ساسانی است، همانند کاخ تیسفون که حلقه‌های آجری به طرف عقب به صورت شیب‌دار و مایل قرار گرفته‌اند. دوم او معتقد است که استفاده زیاد از قوس‌های آجری در مجموعه مخصوص حضور مردم - بارعام - در یک ساختمان سنگی ممکن است متأثر از طاق کسری باشد که حتی در قسمت‌های شاهانه و فوقانی هم آجر به کار رفته است (۲۸). در حقیقت با وجود اینکه طاق بزرگ تیسفون از آجر ساخته شد، بقیه ساختمان و تونل یا راهرویی با سقف قوسی ساخته شده از آجرهای محکم به صورت نمودی یا حلقه‌های مورب ساخته شدند. و اینها همگی در معماری بیزانس رایج بوده‌اند (۲۹). بنابراین در عین اینکه مشاطه قویاً متأثر از ایران است، ماهیت و گسترش تأثیر ساسانیان را به راحتی نمی‌توان مشخص ساخت. به نظر می‌رسد که این تأثیرات فراتر از ساخت بناهایی با محوریت تالار و حیاطی در وسعه مجموعه قصر و پراکنده‌گی

آن صحبت کنیم. خانم بل بیان می‌کند که در مسیر انجام بررسی‌هایش، گاهی مجبور شده است که دست به قیاس با قصری در اخیدر عراق بزند - که سالم‌تر مانده است - تا پاسخی برای معماهای بدون جوابش که تعدادشان هم کم نیست، بیابد (۱۸). من گمان می‌کنم به همین دلیل بنای خسرو چنین تأثیر عمیقی از عباسیان گرفته است. با کمی اغماض، به نظر می‌رسد این مثال خوبی است از اینکه چطور معماری ساسانی می‌توانسته از اوایل دوران اسلامی متأثر گردد.

این فرض که نقشه معماری در هر مقطعی از زمان به هرحال تحت تأثیر حکومتی قرار گیرد که قبل از آن وجود داشته، نه تنها منطقی است بلکه سنگ زیربنای تاریخ معماری نیز محسوب می‌شود. با توجه به کمبود اطلاعات قابل اعتماد باستان‌شناختی پایان دوره ساسانی، بررسی سیستماتیک ماهیت و گسترش ارتباط بین قصرهای خاندان خسرو و جانشینان مسلمان آنها ممکن نیست. مطالعات بر روی طرح مجزا و مستقلی همچون نقشه چهار ایوانه و ترکیب آشنا و ملموس ایوان و تالار با سقف گنبدی شکل متمرکز شده‌اند.

دو مجموعه سند و مدرک تصور موجود مبنی بر وجود استمرار در طراحی قصر به شکلی فراگیر را تقویت می‌کنند، که هر دو آنها ذهنی و کم‌اهمیت به نظر می‌رسند. مجموعه نخست شامل تعداد زیادی علائم و اشکال ماهم از پادشاهی ساسانی است که تا دوره حاکمان اموی و بعد از آنها باقی ماندند. گریب Graber در رساله دکترایش در سال ۱۹۵۵ و در تعدادی از نوشته‌هایش به بررسی جزئیات مراسم و برگزاری جشنها در نزد اموی‌ها پرداخت و همان‌گونه که در منابع عرب زبان نیز مطرح شده مآوی این امور را به آثار و شواهد باقی مانده مربوط می‌سازد. او نشان داده است که چطور حاکمان اموی قادر بودند تزئینات و نقش و نگارهای مجلل و باشکوه را در اندازه‌های بزرگ برگرفته از دربار ایرانی‌ها برای خود بیافرینند. با این وجود گریر به سر مسئله تداوم معماری آنها تأکید نکرد و به قصرهای بنا شده در صحراهای سوریه، اردن و فلسطین و مجموعاً تمامی بناهای باشکوه دوران اموی و اینکه ایده آنها از تمدن روم و سنت‌های بیزانس گرفته شده است، اشاره کرد.

دوم تعداد قابل ملاحظه‌ای آثار پهلوی است که مراسم دربار ساسانی را شرح داده‌اند و تا اواخر قرون وسطی از ناپودی مصون ماندند و مورخان مسلمان نیز از آنها نام برده‌اند. برای مثال به نظر می‌رسد کتاب التاج اثر جاحظ Jahiz (d.869) متشکل از مطالبی برگرفته از مأخذ ساسانی Gahnama, a notitia dignitarum است که خود نیز براساس طبقه‌بندی بزرگان و مشاهیر پادشاهی ایران فهرست شده‌اند (۱۰). این منابع مهم که برای درک و شناخت سیاست‌های داخلی دربار سلطنتی حیاتی به نظر می‌رسند، هیچ اطلاعات مشخصی درباره سوابق معماری بدست نمی‌دهند.

مدرک باستان‌شناختی مؤید تداوم شکل و کارکرد بنا مهم به نظر می‌رسند و این مشکل به بهترین شکل با توجه به جایگاه مردم مشخص می‌گردد. در درجه اول تعداد کمی از قصرهای اموی، مکان‌هایی را مشخصاً به عنوان اتاق تاج و تخت پادشاهی - تاجگذاری - پیش‌بینی کرده بودند. دو نمونه از این مکان‌ها، مشاطه Mshatta و خربت المفجر Khirbat-al-Maljar نام داشته‌اند. در مشاطه (۲۱) مجموعه تخت و پارگاه، در عقب محوطه بسته‌ای قرار دارد که درست نقطه مقابل دروازه ورودی بناست. اینجا شامل تالاری با سقف گنبدی بلند است که بدنبال آن تالاری بلند و جلویاز قرار دارد که در قسمت جلو، به دو صحن عریض مرکزی منتهی می‌شود و در کنار آنها راهروها یا غلام گردشهایی قرار دارند. به احتمال زیاد، همان‌طور که ایتینگهاوزن Eitinghausen مطرح کرده، در خربت المفجر بارعام صورت می‌گرفت. این امر در مجموعه‌ای مشتمل بر تالاری ستون‌دار و راهروی

نیست.

به احتمال زیاد در تجمع گروه‌های مردم در قصرهای عباسی و اواخر دوران اموی از مدل ساسانی ایده گرفته شده است. هر ارزش نمادینی که چنین برنامه‌هایی برای مسلمانان اوایل دوران اسلامی داشته، به هر حال، این تجمع‌های عظیم و برنامه‌های مربوط در حالی آغاز می‌شده که حاکم همانند یک تماشاچی و یا ناظر در جایگاه ثابت خود قرار می‌گرفته است. پاسخ به این پرسش می‌تواند مفید باشد که سازندگان و معماران مسلمان قرون اولیه تا چه حد درباره معماری قصر پادشاهان ساسانی اطلاع داشته‌اند. در شیوه غربی، مفهوم نقشه‌کشی معماری و ترسیم جزئیات بنا، اغلب طی فرآیندی شامل مشاهده دقیق و از نزدیک بناهای موجود و مطالعه مطالب مربوط در کتب و رساله‌های مرتبط منتقل می‌شود. این فرآیند استنتاجی بوسیله ویتروویوس Vitruvius، معمار رومی قرن اول قبل از میلاد مسیح (ع) ارائه شد که به قصد مشاهده و آزمایش بناهای قدیمی و باستانی به مسافرت پرداخت تا بتواند مطالب و تجربیات خود را برای معماران و سازندگان عصر خود به نگارش دریاورد.

از این باستان‌پژوهی استدلالی که بسیار به معماری نزدیک است، هیچ شواهدی در قرون اولیه اسلامی در دست نیست. آثار و منابع تحقیقی جغرافیایی و تاریخی موجود در خصوص ۱۲ کاخ نشان می‌دهد که همگی محل استقرار شاه و درباریان، پناهگاه‌های شکار و عمارت‌های دارای باغ بوده‌اند. مؤلفان این تحقیقات همگی در مورد عجایب و شگفتی‌های معماری این بناها و نیز تزییناتی چون ستون‌های در هیت زنان و یا قطعاتی از سنگ که چنان بهم اتصال یافته‌اند که محل‌های اتصال آنها نامرئی است، اتفاق نظر دارند. هدف اصلی آنها صرف‌نظر از ارائه تصویری برجسته و منحصر از این بناها، این بود که خواننده را با میزان کیفیت، ماهیت و اصالت آنها تحت تأثیر قرار دهند. ولی متأسفانه این مکتوبات هیچ‌گونه اطلاعات دقیق و کاملی درباره چگونگی ساخت در اختیار محققان یا سازندگان و معماران نگذاشته است تا بتوانند پیش و درک درستی از کم و کیف ساخت بناهای برجسته و کم‌نظیر داشته باشند.

حتی تصور یک شاهزاده با توصیف باستان‌شناختی مشکل است و به سختی می‌توان اطلاعات و داده‌هایی درباره تاریخ پس از ساسانیان را در قصرهای ساسانی جمع‌آوری کرد. بعضی از این قصرها از میان خرابه‌هایی بدست آمده‌اند که مربوط به زمان فرار یزدگرد و رها کردن پایتخت در فلات ایران می‌شود. برای مثال دستگرد و قصر شیرین در قرن ششم کاملاً توسط هراکلیوس ویران شدند.

کاوش‌ها در فیروزآباد و بیشاپور نشان داده است که کاخ‌هایی در اوایل دوره اسلامی برپا بوده‌اند ولی ما نمی‌دانیم این اکتیه چگونه مورد استفاده قرار می‌گرفتند یا تا چه حد ساختار فیزیکی آنها مورد احترام و تقدیس بوده است (۴۱). در تخت سلیمان در دوره ایلخانی نیز شاهد حضور سازندگانی هستیم که در کار ساخت و ساز دیوارهای بناهای ساسانی دخیل بودند که بعداً دستمایه نقشه ساخت قصر جدید قرار گرفتند (۴۲).

براساس نتایج بدست آمده از بررسی‌های جدیدی در سامرا، باستان‌شناسان دریافته‌اند که بقایای یک قصر بزرگ ساسانی دقیقاً در مجاورت قصر الجعفری در متوکلی قرار داشته است (۴۳). این بنای ساسانی در زمانی بازسازی شد که قصر عباسیان در سال ۸۵۹-۶۲ ساخته شد. در این زمان یک مخزن آب اساسی با کانا‌های هدایت‌کننده آب و سیستم‌های زهکشی در آن قصر ساخته شده بود. به نظر می‌رسد در آنجا مجموعه‌ای از حیاط و اتاق‌های عمومی و قسمت‌های حفاری نشده بنا شده بودند و ظاهراً در نزدیکی آنجا محوطه‌ای برای شکار وجود داشت که در دوره عباسیان مورد استفاده قرار می‌گرفت. تحقیقات بیشتر ممکن است به کشف نگرش و نقطه‌نظرهای خلیفه در کار ساخت و ساز اسلاف

نمادها و نشان‌های سلطنتی ساسانی در تزیینات کنده‌کاری شده باشد. یک مثال پیچیده از این ارتباطات و مناسبات در مورد معماری قصر اموی مثال مجموعه واقع در لبه شمالی دژ امان است که به نظر می‌رسد در قالب و شکل ساسانی ساخته و تزیین شده است (۳۵). این بنا با استفاده از تکنیک برش سنگ‌های موجود در محل ساخته شده و هسته بنا از اتاقی با سقف گنبدی شکل که در جلوی آن تالار ایوان‌داری قرار دارد تشکیل شده، که به یک حیاط داخلی یا اندرونی باز می‌شده است. خیمه ایرانی بنا بدون شک از گچبری‌های ساسانی الهام گرفته است. دیوار استوانه‌ای حیاط قصر که شبیه بنای ورونی با ردیفی از طاقچه‌های درون دیوار است و در مقیاس مینیاتوری مطاق کسری یعنی قصر عظیم و باشکوه پادشاهان ساسانی (۳۱) در تیسفون را به یاد می‌اندازد.

همچنین کوشش‌هایی برای استقرار نوع دوم از مجموعه مخصوص بارعام در معماری ساسانی انجام گرفته که براساس شباهت‌های بسیار زیادی با ساختمانی در مرکز دارالعماره اموی دامغان در کوفه دارد (۳۲). اما هر دو ساختمان اصلی که معمولاً برای عرضه خدمات به طبقه‌ای خاص از آنها استفاده می‌شد - سروستان و قصر شیرین - ارزشی غیرقابل اندازه‌گیری دارند. از زمانی که این نظر مطرح شد که سروستان نمی‌تواند متعلق به دوران ساسانی باشد و نیز از آنجا که عمارت خسروبا توجه به بنای دامغان و تاحدی به شکل فانتزی بنا شده است. آرایش بناها در دامغان به شکلی غیرمتداول است و هنوز دقیقاً کارکردی برایش در نظر گرفته نشده است.

شواهد فراوانی وجود دارد مبنی بر اینکه خلفای عباسی نظیر اموی‌ها در برپایی و اجزای مراسم و جشن‌ها از ساسانیان الهام گرفته بودند (۳۴). اما در ساخت کاخ‌هایشان براساس آنچه از بناهای موجود در سامرا و بناهای متفرد نظیر اخیدر استنباط می‌شود، کمتر از حد انتظار با معماری ساسانی قرابت و نزدیکی دارند. آنها با نقشه‌های وسیع و بزرگ شامل واحدهای متعدد متشکل از سری حیاط‌هایی هستند که بوسیله دروازه‌ای به هم مربوط می‌شدند (۳۵) و گردگرد آنها بیت‌های (خانه‌های) Bays متعدد و یک شکل قرار داشت.

مجموعه دروازه‌های متعلق به دوره عباسی از نقطه نظر معماری حائز اهمیت و از نظر تشریفاتی مهم بودند (۳۶). اما اینکه اینها یا دروازه‌های کاخ‌های اموی‌ها قبل از آنها برگرفته از بناهای ساسانی است یا نه سؤال قابل بحثی است (نظیر تعداد معدودی دروازه مدل ساسانی که هنوز پابرجاست). این نوع معماری را برای مثال می‌توان در قلعه دختر مشاهده کرد که به نظر می‌رسد محلی برای خیرمقدم به میهمانان و پذیرایی از آنها بوده است نه برای ظهور و نمایش (۳۷).

نقود ساسانیان تنها براساس طرز قرار گرفتن اتاق‌ها به شکلی گروهی و صلیب مانند (در مرکز مجموعه بنا) قابل مشاهده است. در اینجا دو نوع مختلف معماری دیده می‌شود: اولین نوع در تمام محل‌های مهم در سامرا مشاهده شده است که شامل چهار ایوان طولی - دراز - است که در جلوی آنها یک اتاق با سقف گنبدی شکل قرار دارد (۳۸). در نوع دوم در سامرا، اتاق نشیمن در پشت محراب مسجد ابودلف Abu Dulf است که چهار ایوان رو به حیاط مرکزی دارد. نوع اول قبلاً در دارالعماره ابومسلم در مرو مشاهده شده بود و چه بسا الهام‌بخش بنای اصلی قصر المنصور در بغداد نیز بوده باشد (۴۰).

برای احیاء مراسم و خلق مجدد بزرگداشتی به رسم سلسله‌های گذشته دلایل محکم و مکتوبات موثق مورد نیاز است تا ما را در این جهت راهنمون کند. البته مظاهر فیزیکی نظیر تذهیب و تزیینات دیواری را می‌توان با کمی کردن از گچبری‌ها و نقش و نگارهای شاهانه و فلزکاری باقی‌مانده از اوایل دوران اسلامی بدست آورد. همچنین استمرار در اجرای آیین‌ها و مراسم، تلویحاً به معنای احیاء ویژگی‌های معماری برای تأمین چارچوبی مناسب

است زیرا آنها از اهمیت بناهای مربوط به پادشاهان ایرانی در نزد جانشینان مسلمانان حکایت می‌کنند. هنگامی که چنین نکاتی را در کنار کاشی‌کاری تاریخی و داستان‌های عشقی که پیرامون این بنا و دیگر بناهای ساسانی مانند طاق بستان و تخت سلیمان در ایران قرار می‌دهیم (۴۸)، این حقیقت ظهور می‌کند که تأثیر قصرهای ساسانی در اوایل دوره اسلامی در حد وسیعی قالب شاعرانه و استعاری داشت.

در این شکی نیست که حاکمان اوایل دوره اسلامی برای درک مفهوم جایگاه پادشاهی در معماری همانند برگزاری مراسم و آیین‌ها از پادشاهان ساسانی قبل از خود تأثیر می‌گرفتند، اما نتیجه چنین تطابقی آن چنان دقیق و کامل بود که هرگونه تلاش برای منفک کردن اجزاء مختلف را ناممکن می‌ساخت. هیچ مدرکی مبنی بر اینکه شاهزادگان مسلمان صدر اسلام در پی تقلید از قصر ساسانیان بودند، وجود ندارد و در این مسئله تردید وجود دارد که اطلاعات باستان‌شناختی کافی برای چنین قضاوتی در دسترس باشد. زمانی که نفوذ ساسانیان بر اساس استاد و شواهد محرز گردید، شالوده امپراتوری ساسانیان هم برای نویسندگان و هم برای سازندگان در بخش‌های رسمی آن و بویژه در اتاق تاجگذاری، تجسم عینی یافت.

شرح تصاویر

تصویر یک: نقشه‌های روبتر از قصرهای یک و دو در کیش که با هم به عنوان یک مجموعه مجزا مطرح شده‌اند.

از: A. u. Pope, ed., A survey of persian Art

تصویر دو: نقشه قصر بیشاپور، پس از جرج سیلز و رومن گیرشمن از: II Bichápour, Vol.2, Plan

تصویر سه: عکس هوایی از بیشاپور

الف) ایوان‌ها یا راهروها ب) معبد آنهایتا

تصویر چهار: بازسازی عمارت خسرو توسط روبتر از:

A.U.Pope, ed, A Survey of Persian Art, Vol.1, fig.154.

پی‌نوشت:

این مقاله ترجمه‌ای است از:

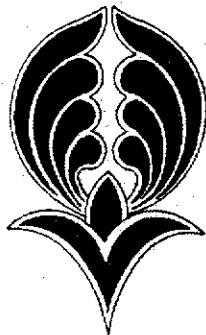
- Bier, Lionel, 1993. "The SASANIAN PALACES AND THEIR INFLUEVCE IN EARLY ISLAM." Ars Orientali: pp 57-66.

ساسانیان بیانجامد. حاکمان سلسله‌های ایرانی اوایل دوره اسلامی ظاهراً علاقه و تمایل ویژه‌ای نسبت به معماری قصرهای ساسانی داشته‌اند. برای مثال مسلم بویه Muslim Buyids در مورد دودمان و نسب خود تا زمان پادشاهان ساسانی تحقیق کرد.

تعدادی از این افراد مشخصاً علاقه خاصی به پادشاهی باستانی داشته‌اند (۴۴). آدودالدوله Adud al-Dawla نیز پایتخت ساسانیان را در گور بازسازی کرد، آن را فیروزآباد نام نهاد و به عنوان یک حاکم ساسانی بر روی سکه‌های آن دوران معرفی شد. این سکه‌ها در فارس ضرب می‌شدند و عنوان ایرانی شاهنشاه را بر خود داشتند. این شخص با افتخار از دیدار پرسپولیس در معیت یک موبد از کارزون یاد کرده که متن کتیبه‌ای به زمان پهلوی را برای او خوانده است. گزارش این دیدار توسط او در پرسپولیس به ثبت رسیده است. بنیانگذار سلسله‌ای که از آن آل بویه ظهور یافتند گفته است که رویای غلبه بر عراق، بازسازی قصر تیسفون و استقرار دوباره ایالت ایرانی را بر اساس مذهب باستانی زرتشتی در خواب دیده است. متأسفانه تعداد کمی از بناهای مربوط به دوران آل بویه باقی مانده‌اند و هیچ یک از کاخ‌هایی که توسط مورخان و محققان معاصرشان توصیف شده‌اند، هم‌اکنون وجود ندارند (۴۵).

سرانجام من - نویسنده - مایلیم که دوباره گریزی به قصر باعظمت تیسفون بزنم که احتمالاً توسط خسرو دوم در قرن ششم ساخته شد. زمانی که فرمانده نیروی اعراب در سال ۶۲۷ به پایتخت ساسانیان وارد شد، نماز جمعه را در تالار تاجگذاری برپا کرد و از آن زمان این بنا در نزد مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. شاید این نمایشی ترین توصیفی باشد که در مقدمه کتاب الخطیب بغدادی در ثبت تاریخ بغداد آمده است که به توصیف تخریب ایوان کسری توسط منصور و استفاده دوباره از آجرهایش برای بنای قصر خودش می‌پردازد (۴۶). او در این مورد بحث می‌کند که علیرغم آنکه یک شورای مشاوران غیرعرب معتقد بودند که قصر یادمان پیروزی اعراب بر شاهان ایرانی است، خلیفه منصور پیروزگردید و فقط زمانی از آن دست کشید که مشخص شد قصر بسیار وسیع است. طبری موضوع را به گونه‌ای دیگر مطرح می‌کند که در آن یکی از مشاورین پیشنهاد کرد که اقدام خلیفه به هر قیمتی، به اجرا درآید. مبادا ناتوانی خلیفه باعث نابودی قصر شود و به شخصیت و اعتبار خلیفه در نظر ایرانیان خدش‌های وارد گردد (۴۷).

اینکه چنین حکایتی واقعی تاریخی را بیان می‌کند یا نه بحث جالبی



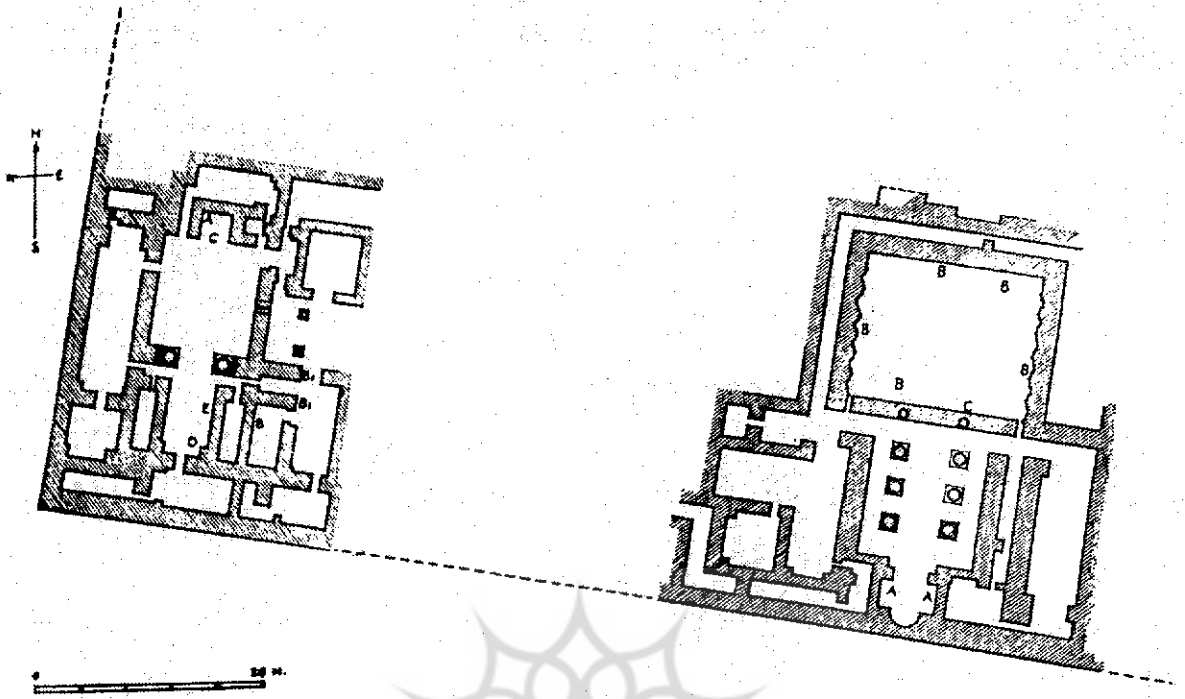


FIG. 1. Reuther's plans of Palaces I and II at Kish combined as a single building. From A. U. Pope, ed., *A Survey of Persian Art*.

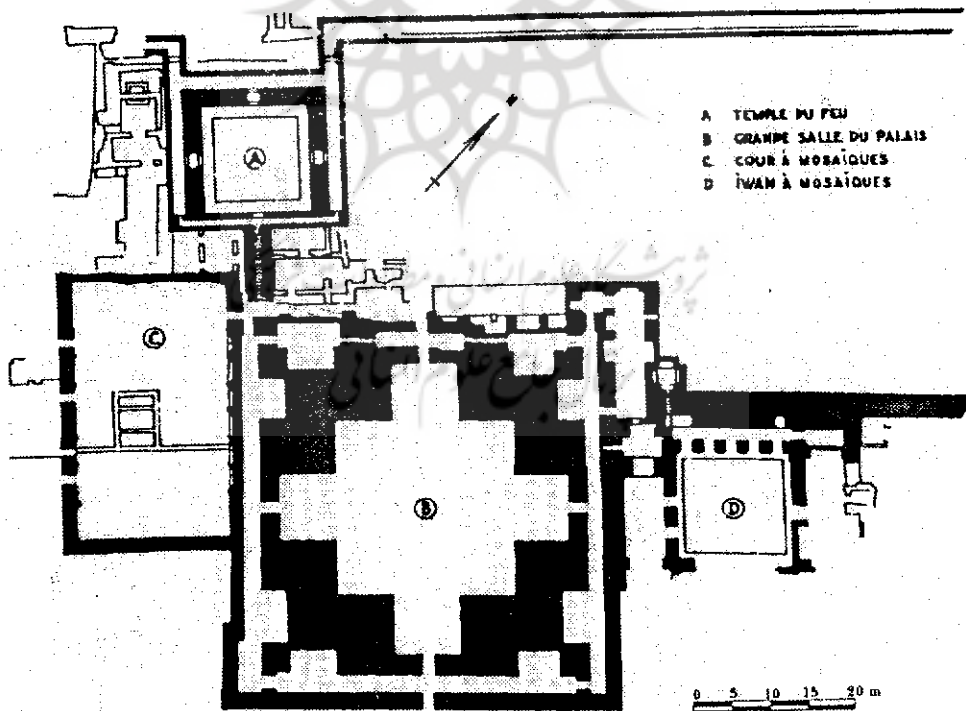


FIG. 2. Plan of the palace at Bishapur.
After George Salles and Roman Ghirshman, *Béchâpour*, vol. 2, plan II.



Fig. 3. Aerial photograph of Bislapur showing (a) iwans or gateways and (b) Anahita temple.

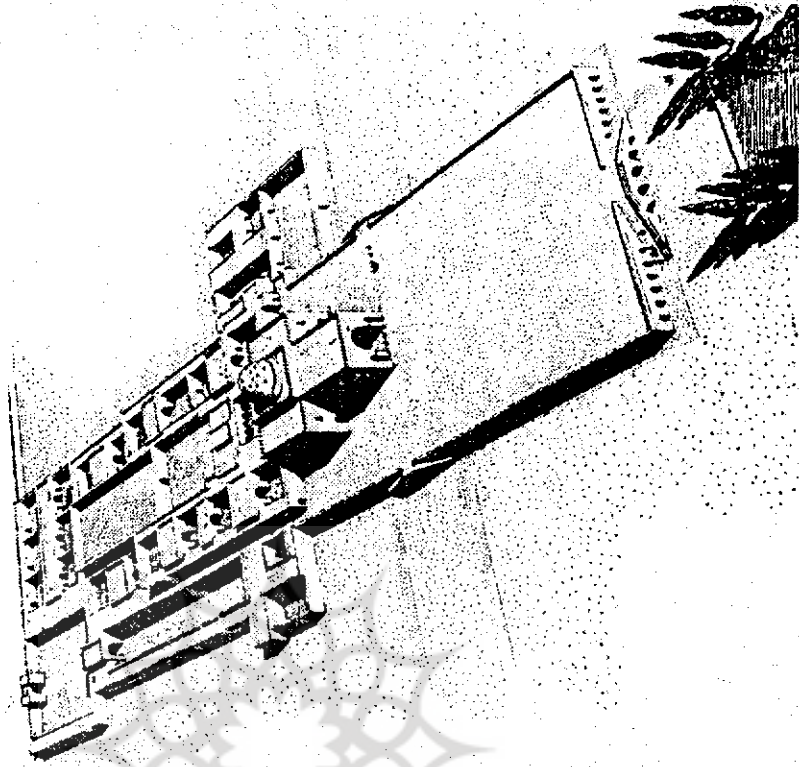


Fig. 4. Reconstruction of Imaret-i Khusrav, by Reuther. From A. U. Pope, ed., *A Survey of Persian Art*, vol. 1, fig. 154.